

«گاهنگاری بافت کهن شهر تاریخی اصفهان به استناد کاوش محدوده میدان عتیق»

دکترحسین کریمیان
استادبار گروه باستانشناسی دانشگاه تهران

محسن جاوری

عضو هیأت علمی پژوهشکده باستانشناسی و دانشجوی دکتری باستانشناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران

از ص ۱۳۱ تا ۱۵۵

چکیده:

شهر اصفهان با وجود اینکه به لحاظ تاریخی یکی از شهرهای کهن ایران است اما تاکنون از نظر باستانشناسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته به همین دلیل، اطلاعات موجود در مورد سابقه و تاریخ آن بسیار محدود است. در همین خصوص، برنامه کاوش میدان عتیق با هدف دستیابی به مستندات باستانشناسی و به منظور روشن کردن برخی ابهامات موجود بر تاریخ این شهر به انجام رسید. در طی این برنامه کاوش که در مرکز بافت تاریخی اصفهان و پیرامون نواحی شرقی و جنوبی مسجد جامع صورت گرفت، معلوم شد که در محدوده مذکور، آثاری از دوره پیش از اسلام (ساسانی) وجود ندارد به علاوه با توجه به وجود اختلاف سطح شدید بین کف مسجد جامع و کفهای به دست آمده در حفاری، این مسجد در زمان احداث بر روی بلندترین نقطه نسبت به فضاهای اطراف خود، بنا شده بوده است.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، بافت تاریخی، میدان عتیق، لایه‌نگاری، اختلاف سطح.

مقدمه

دشت اصفهان، در مرکز فلات مرکزی ایران، هم به لحاظ اقلیمی و هم از نظر توپوگرافی و عوارض زمین از موقعیت مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش یک شهر برخوردار بوده است به همین دلیل، با توجه به شواهد باستانشناسی، سکونت در آن از ادوار پیش از تاریخ، آغاز و مستمراً ادامه یافته تا به شکل‌یابی شهر اصفهان منجر گشته است (جاوری، معرفی محوطه باستانی گورتان، صص ۳۴۵-۳۴۴). شهری که با گذر از دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخی، با فروغ دین مبین اسلام در ایران با چهره‌ای اسلامی رخ نمود و به یکی از شهرهای تأثیرگذار در فرهنگ و هنر اسلامی بدل شد.

یکی از معضلات موجود در زمینه گاهنگاری شهر اصفهان، کمبود مستندات باستانشناختی است. این معضل از اینجا ناشی می‌شود که تا قبل از پژوهش حاضر، هیچ برنامه باستانشناسی‌ای باهدف لایه‌نگاری و گاهنگاری در این شهر انجام نپذیرفته و معدود برنامه‌های باستانشناسی مانند کاوش باستانشناسی تپه جی (میرفتاح)، کاوش هیأت ایتالیایی ایزمئو در مسجد جامع و مجموعه دولتخانه صفوی (Gabriel, Galdieri and IsMEO Activities, Scerrato)، کاوش باستانشناسی تپه اشرف^۱، کاوش باستانشناسی محل اتصال چهار باغ به سی‌وسه‌پل (جاوری، کاوش باستانشناسی)، کاوش باستانشناسی رامپ شمالی پل خواجو (جاوری، پل خواجو از نگاهی دیگر) و کاوش باستانشناسی خیابان تاریخی چهارباغ (جاوری، کاوش باستانشناسی) که تاکنون در آن به اجرا درآمده‌اند، به کار در بنایی منفرد یا دوره‌ای خاص، معطوف بوده‌اند. بر همین اساس، برنامه کاوش میدان عتیق به صورت علمی و سیستماتیک با هدف بررسی و مطالعه وضعیت لایه‌های باستانی مرکز بافت تاریخی شهر اصفهان در محدوده این میدان به انجام رسیده^۲ که در گاهنگاری شهر اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار است. منابع تاریخی از وجود دو محدوده اصلی جی و یهودیه و تعدادی روستای پیرامونی در اواخر دوران ساسانی گزارش می‌دهند (ابونعیم و نیز ابن‌رسته و نیز مافروخی و نیز بهار). این منابع همچنین آورده‌اند که پس از فتح اصفهان توسط اعراب مسلمان، در حدود سال ۲۰ هجری قمری، جی به تدریج متروک شد (جعفری‌زند) و هسته اولیه شهر اصفهان در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شمال غربی آن با اجتماع ۱۵ قریه پراکنده اطراف یهودیه شکل گرفته است.^۳ شایان ذکر است که در توسعه تدریجی شهر اصفهان هر یک از قریه‌های مذکور به یکی از محلات آن تبدیل گردیده‌اند که اسامی برخی از آنها تاکنون حفظ شده است.^۴ با

احداث مسجد جامع، در اوایل قرن دوم هجری در مرکز شهر، فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی اصفهان حول محور این مسجد به انجام رسیده و شبکه بازارها و معابر اصلی به سوی محلات و دروازه‌های شهر جهت‌یافتند. یکی از نقاط قوت این دوره از شهرسازی اصفهان^۹ ایجاد میدان وسیع عتیق بود که در جانب جنوب‌غربی مسجد جامع قرار داشت و بدنه‌های غربی و جنوبی آن را بازار و دو بدنه شرقی و شمالی را دو معبر اصلی محلات اطراف مسجد جامع تشکیل می‌داده‌اند.

قرنها بعد و در مسیر تحولات شهرسازی، صفویان با هدف کم‌رنگ کردن تأثیر این میدان در مقابل میدان نقش جهان که مرکز جدید شهر به حساب می‌آمد، ضمن ایجاد یک بازارچه در ضلع شمال شرقی میدان عتیق - که احداث مدرسه کاسه‌گران و کاروانسرای خیار را در پی داشت - عملاً حدود $\frac{1}{3}$ از فضای ۵۷۵۰۰ متر مربعی میدان را مستهلک کردند و وسعت آن را به ۳۲۴۰۰ متر مربع کاهش دادند. در عین حال، این میدان تا اواخر دوره قاجار همچنان حضور خود را در شهر، حفظ کرده بود و از بخشی از آن به عنوان محل تخلیه زغال و خرید و فروش آن استفاده می‌شد؛ لیکن از اوایل دوره پهلوی به تدریج، این فضای باز عملاً مورد ساخت و سازهای بی‌نظم و بی‌ضابطه قرار گرفت، به گونه‌ای که در حال حاضر از میدان بزرگ و کهن عتیق، جز فضایی کوچک با وسعت ۱۷۲۰ متر مربع موسوم به میدان زغال و یک فضای دیگر با همین وسعت - که اکنون کاربری پارکینگ دارد - چیز دیگری باقی نمانده است (نقشه ۱).

با توجه به اهمیت این محله از اصفهان به عنوان مرکز بافت تاریخی شهر و اینکه بخش مهمی از تحولات تاریخی این شهر پیرامون این میدان به انجام رسیده است، انجام یک کاوش باستانشناسی با هدف دستیابی به اطلاعات لازم در گانهگاری می‌توانست از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در مقاله حاضر تلاش گردیده تا نتایج حفاریات باستانشناسی در محدوده میدان عتیق ارائه و با استفاده از آن به گانهگاری علمی این شهر مبادرت گردد.

کاوش میدان عتیق:

برنامه کاوش باستانشناسی محدوده میدان عتیق اصفهان در فضاهای خالی باقیمانده از میدان اولیّه، شامل میدان زغال، دو ترانشه 10×10 متری A1 و A2؛ میدان قیام کنونی، دو ترانشه 5×5 متری B1 و B2؛ پارکینگ مسجد جامع، ترانشه 7×5 متری و چهار گمانه تکمیلی در فضای سبز پیاده‌روی خیابان مجلسی به اجرا درآمد (نقشه ۱) که ذیلاً نتایج آن ارائه می‌گردد:

ترانسه‌های A1 و A2:

این دو ترانسه هر کدام در ابعاد 10×10 متر در میدان موسوم به زغال - که از محدوده فضای باز باقی مانده از میدان عتیق است - انتخاب و حفاری در آنها تا سطح خاک بکر در عمق ۳ متری دنبال شد. همانگونه که در طرح شماره ۱ مشخص است، در این قسمت، ۱۳ لایه تشخیص داده شد و هیچ اثر معماری به جز ۴ حلقه چاه در آن به دست نیامد. با توجه به اینکه در بدنه چاهها مقطع لایه‌ها کاملاً مشخص بود، زمان حفر آنها قطعاً به دوره معاصر تعلق دارد. به جز لایه‌های ۱۰ تا ۱۲، سایر لایه‌های این ترانسه مغشوش بودند. بدین صورت که با توجه به گودی این قسمت - که حتی در زمان حاضر نسبت به کف مسجد جامع $2/5$ متر پایینتر است - به نظر می‌رسد از دوره صفوی به این سو با انباشت کردن مقدار زیادی خاک همراه با آوار ساختمانی که مقادیر فراوانی قطعات سفال نیز در آن میان وجود داشته، تلاشهایی برای تسطیح این محدوده صورت پذیرفته باشد. سفالهای به دست آمده از لایه‌های III تا IX مخلوطی از سفالهای دوره‌های مختلف اسلامی مختلط با هم است زیرا در آن سفالهای از گونه‌هایی مختلف، از سفال با لعاب پاشیده گرفته تا سفالهای آبی و سفید و سلادون صفوی، با مقادیر متراکمی آوار ساختمانی از قبیل خرده آجر و کاشی در کنار یافت شده‌اند که این وضعیت، مبین انباشت آنها به طور عمدی در این منطقه است. در واقع، در این ترانسه، تنها لایه‌های X تا XII دارای اصالت و داده‌های آنها واجد ارزش مطالعه و تاریخگذاری بوده‌اند که در ذیل بدانها می‌پردازیم:

- لایه X: از عمق ۱۹۰ سانتیمتری شروع و دارای بافتی مرکب از خاکی سفت و یکدست بود که از نظر بافت و رنگ (قهوه‌ای تیره) با لایه‌های فوقانی تفاوت داشت (طرح ۱) لیکن از نظر سفال، بسیار فقیر بود به طوری که مجموعاً ۳۲ قطعه سفال از آن به دست آمد. سفالهای به دست آمده، اغلب ساده و بدون لعاب بودند و عناصر نقشی آنها از نوع کنده بود. از آنجایی که سفالهای به دست آمده، قابل انتساب به دوره سلجوقی‌اند، این لایه به دوره مذکور، منسوب می‌شود (طرح ۲).

- لایه XI: خاک این لایه که در عمق ۲۱۰ سانتیمتری شروع می‌شود، قهوه‌ای مایل به زرد است و مانند لایه رویی‌اش به لحاظ سفال، بسیار فقیر بوده به طوری که مجموعاً ۱۲ قطعه سفال از آن به دست آمد که دو قطعه، لعابدار و بقیه از نوع ساده با پوشش گلی بودند. این لایه با توجه به داده‌های سفالی و اینکه اولین لایه باستانی میدان است به دوره

پیش از تشکیل میدان یا به عبارتی به دوره قبل از سلجوقی قابل انتساب است.
 - لایه XII: این لایه از عمق ۲۴۰ سانتیمتری از سطح خاک بکر آغاز و دارای بافت قهوه‌ای مایل به سیاه است که فاقد هرگونه داده باستانشناسی می‌باشد و ترکیب تیره و لجنی شکل آن می‌تواند ناشی از ته‌نشست گل و لای باشد (طرح ۱). با توجه به اینکه این نقطه به لحاظ توپوگرافی نسبت به اطراف خود در مکانی پست قرار داشته، احتمالاً قبل از تشکیل میدان، یک بارش شدید، مقدار قابل توجهی گل و لای را در آن باقی گذاشته است.
 نکته شایان توجه در مورد ترانسه A1 و A2 این بود که هیچ آثاری از دوره پیش از اسلام در آنها به دست نیامد.

مجموعاً از این ترانسه، ۱۴۵۰ قطعه سفال به دست آمد که قریب ۱۴۰۰ قطعه به دلیل اضطراب لایه‌های IX تا III صرفاً جنبه مطالعاتی دارند. از این میان، ۴۴ قطعه مکشوفه از لایه‌های X تا XI واجد ارزش باستانشناختی هستند. در مجموع، ۲۳۴ قطعه از سفالهای این ترانسه‌ها برای طراحی انتخاب شد که بر اساس دوره‌بندی، منتخبی از طرحهای سفالهای به دست آمده از کل حفاری دوره‌های ارائه شده است (طرحهای ۲، ۳ و ۴).

در یک جمع‌بندی مقدماتی و با ملاحظه وضعیت ترانسه‌های A1 و A2 و مطالعه سفالهای مکشوفه، عمده‌ترین مطالبی که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:
 ۱- اولین لایه تشکیل شده در این ترانسه به قرون اولیه هجری تعلق دارد و پیش از دوره اسلامی، استقرار در این محل وجود ندارد.

۲- کف میدان در قرون اولیه اسلامی (مصادف با لایه X) ۴/۶۰ متر از کف فعلی مسجد جامع، پایین‌تر بوده است.

۳- از دوره صفوی به بعد، طی چند مرحله با انجام خاکریزی‌های متوالی، سعی در حل معضل اختلاف سطح منفی در این قسمت نموده‌اند که حاصل آن، لایه‌های متعدد خاک، همراه با نخاله‌های ساختمانی و قطعات سفال متعلق به دوره‌های مختلف است که به صورت مخلوط و بدون هیچ نظمی در کنار هم انباشت شده‌اند.

- ترانسه‌های B1 و B2:

به منظور تحصیل اطلاعات تکمیلی مورد استفاده در گاه‌نگاری و نیز فراهم آمدن امکان مقایسه وضعیت لایه‌های استقرار، در نیمه شمالی میدان قیام فعلی نیز دوترانسه ۵x۵ متری به نامهای B1 و B2 انتخاب و کار حفاری در آنها آغاز شد که در ادامه کار و پس از

برخورد به آثار معماری هر دو به هم پیوند داده شدند و به شیوه پی‌گردی، کار حفاری در آنها تعقیب گردید (نقشه ۱).

حاصل حفاری در این ترانشه، برخورد به یک واحد کارگاهی با دو دوره مرگب از شش اتاق تودرتو با ابعاد مختلف بود (نقشه ۲). در اتاق شماره ۱ (به ابعاد ۷ × ۵ متر؛ واقع در گوشه شمال‌شرقی) بزرگترین فضای مجموعه که عبارت بود از یک سازه مدور آجری به قطر ۵ متر، کشف گردید که اطراف آن رایک آبراه کوچک به عرض ۲۰ و عمق ۲۵ سانتیمتر دربرگرفته بود. این آبراه کوچک، درحالی که روی آن را با قطعات سنگهای ورقه‌ای پوشانده بودند، از دوسو به یک چاه واقع در شمال غربی این سازه مدور، منتهی می‌شد. این ساختار، با توجه به نمونه‌های مشابه، به محل استقرار سنگ عصارای تعلق داشته و آبراه آن جهت هدایت مواد زاید حاصل از عصارای به چاهی که برای این منظور در کارگاه، حفر شده مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این سازه در دوره دوم، با ایجاد یک دیوار که اتاق را به دو قسمت تقسیم می‌کرده، از کار افتاده و بدین وسیله تغییراتی از نظر نحوه عملکرد در کارگاه مذکور ایجاد شده است. شایان ذکر است، اگرچه سنگ عصارای از محل به دست نیامد، اما جای محور سنگ همچنان به صورت یک گودی مدور به قطر ۱۵ سانتیمتر و عمق ۳۰ سانتیمتر در مرکز این سازه مدور موجود بود. در این فضا، پنج خمرة بزرگ به دست آمد که احتمالاً به عمد از نیمه، شکسته شده بودند و فقط قسمت تحتانی آنها برجا بود.

در اتاق شماره ۳ واقع در گوشه جنوب شرقی این مجموعه به ۴۳ ظرف با اندازه یکسان، مخصوص نگهداری مایعات که سطح داخلی‌شان لعاب داشت، به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر و قطر دهانه ۱۰ سانتیمتر برخورد شد که ۲۲ عدد آنها سالم بودند و بقیه درجا شکسته و خرد شده بودند که مورد وصالی و مرمت قرار گرفتند. همچنین به دو عدد تغار بزرگ سالم و ۲۸ عدد ظروف سفالی قیفی شکل در سه اندازه کوچک، متوسط و بزرگ و سه عدد شمعدان سفالی برخورد شد (طرح ۵). شایان ذکر است که ظروف قیفی شکل مکشوفه هنوز هم در کارگاههای قندسازی سنتی، با همین فرم و عملکرد، در شهرهای حاشیه کویر و به ویژه در استان یزد مورد استفاده هستند. نکته در خور توجه دیگر در مورد این ظروف، آن بود که هرکدام از آنها چندبار با بند زدن، مرمت شده بودند که آثار آن به صورت ردیف‌های بندهای فلزی شدیداً فرسوده در چندین مرحله بر بدنه آنها مشهود بود. در این کارگاه، نه (۹) عدد سکه مسی قاجاری شدیداً فرسوده نیز به دست آمد. میزان

فرسودگی سگه‌ها به حدی بود که با وجود کار مرمت بر روی آنها در آزمایشگاه مرمت میراث فرهنگی اصفهان به جز کلماتی مانند «ممالک» و «محروسه» که عبارات خاص دوره قاجاری‌اند و به سختی قابل خواندن بودند، از آنها اطلاعات دیگری به دست نیامد.

این کارگاه قندسازی به لحاظ مکانی، درست در خارج از محدوده میدان عتیق دوره صفوی، یعنی گوشه جنوب شرقی ضلع شمالی میدان قرار داشته است. با بهره‌گیری از مجموع اطلاعات به دست آمده از این ترانسه (کارگاه) نکات زیر را می‌توان مورد توجه و دسته‌بندی قرار داد:

۱- این سازه در اصل، کارگاهی عصاره‌ی بوده که متعاقب تغییر در حرفه در دوره بعد به کارگاه قندسازی تبدیل شده زیرا با ایجاد یک دیوار روی سازه مدور جایگاه سنگ عصاره، عملکرد اولیه آن نقض شده است؛

۲- فضاهای کارگاه عصاره با آوار ناشی از تخریب عمومی دیوارهای همین مجموعه پر شده بودند زیرا روی این لایه آوار (طرح ۶)، همانند ترانسه A1 و A2، با لایه‌ای به قطر ۱۲۰ سانتیمتر خاک مملو از نخاله‌های ساختمانی و قطعات منتهی‌به، سفال لایه II پوشانده شده بود. از این لایه جمعاً ۱۹۶۵ قطعه سفال به دست آمد که به دوره‌های مختلف اسلامی تعلق داشتند و از میان آنها ۹۳۵ قطعه برای طراحی انتخاب شدند. با توجه به اهمیت گونه شناختی این سفالها طرحهای منتخبی از دوره‌های مختلف آنها ارائه شده است (طرحهای ۲، ۳ و ۴).

– ترانسه C:

اگرچه کارگاه به دست آمده از ترانسه B در تعیین نوعی از فعالیت اقتصادی ساکنان محله مرکزی اصفهان، مفید واقع شد، لیکن به دلیل آنکه تنها معرف دو دوره استقرار بوده حفر ترانسه‌ای دیگر را به منظور فراهم آمدن امکان مقایسه لایه‌ها و گاهنگاری الزامی می‌ساخت. از این رو، ترانسه دیگری در ابعاد ۷×۵ متر در فضای باز واقع در جنوب شرقی ورودی شرقی مسجد جامع - که اکنون کاربری پارکینگ دارد - انتخاب و مورد کاوش قرار گرفت. حفاری در این ترانسه تا عمق ۳/۳۰ متری، یعنی کف آجرفرش ادامه داده شد و ۸ لایه در آن شناسایی گردید (طرح ۷). در کف ترانسه، دو دیوار موازی با جهت جنوب غربی - شمال شرقی به دست آمد که با آجر معاصر قرآق ساخته شده بودند و تعلق این دیوارها به دوره پهلوی را نشان می‌دادند. لایه‌های موجود از آن حکایت داشتند که این مکان در طی چندین مرحله پر شده است.

یکی از این لایه‌ها (لایه ۷) صرفاً مرکب از آوار و نخاله‌های ساختمانی شامل قطعات ریز و درشت آجر بدون خاک بود و در آن هیچ سفالی وجود نداشت. در عوض از لایه VII، ۵۷۰ قطعه سفال مخلوط باخاک و نخاله‌های ساختمانی به دست آمد. این سفالها قطعاتی از دوره‌های مختلف اسلامی را شامل می‌شدند و بیشتر آنها به دوره‌های صفوی و قاجار تعلق داشتند که البته با توجه به نحوه ارائه‌شان در ترانسه فاقد ارزشهای باستانشناختی و تاریخ‌گذاری بودند. به علت محدودیت فضای، امکان ادامه حفاری در عمق وجود نداشت. در مجموع، ۹۶۰ قطعه سفال از این ترانسه به دست آمد که بخش عمده آنها را قطعات سفال آبی و سفید صفوی و قاجار تشکیل می‌داد که از بین آنها ۱۶۴ قطعه برای طراحی انتخاب گردیدند که متخبی از آنها ارائه شده است (طرح‌های ۲، ۳ و ۴).

با مطالعه مقدماتی اطلاعات به دست آمده از حفاری در این ترانسه می‌توان گفت که در اوایل دوره پهلوی، کف این قسمت $۳/۳۰$ متر پایین‌تر از کف فعلی - که اکنون نیز ۱۳۰ سانتیمتر از کف مسجد جامع پایین‌تر است - قرار داشته و این میزان ارتقاء کف از یک اقدام وسیع در جهت تراز و هموار کردن ناهمواریهای این قسمت از شهر در دوران معاصر حکایت دارد. اقدامی که به شرح فوق از دوره صفوی، آغاز و در دوره قاجار تداوم یافته و در دوره پهلوی تکمیل گردیده است.

- گمانه‌های تکمیلی ۱ تا ۴:

به منظور تکمیل اطلاعات در خصوص وسعت میدان عتیق و تشخیص دوره‌های استقرار در محوطه‌های اطراف این میدان، چهار گمانه آزمایشی (با شماره‌های ۱ تا ۴) در بخش شمال غربی محدوده فرضی آن، یعنی جایی که امروزه خیابان علامه مجلسی احداث شده، انتخاب گردید و مورد حفاری قرار گرفت که ذیلاً به شرح یافته‌های آن می‌پردازیم:

گمانه ۱: با ابعاد $۷/۵ \times ۱/۸۰$ مترانتخاب و کاوش در آن تا عمق $۴/۵$ متری استمرار یافت و ۷ لایه در آن تشخیص داده شد (طرح ۸). در عمق $۳/۵$ متری به یک جرز آجری در گوشه جنوبی با جهت جنوب غربی - شمال شرقی برخورد شد. همچنین با ادامه حفاری در عمق $۴/۵$ متری یک لایه دیگر دارای آثار معماری شامل دو دیوار با جهت جنوب غربی - شمال شرقی شناسایی گردید. امکان حفاری تا خاک بکر با توجه به محدودیت مکانی وجود نداشت. نکته در خور توجه آنکه در این گمانه، هیچ قطعه سفالی به دست نیامد.

گمانه ۲: با ابعاد $۶ \times ۱/۷۰$ متر و تا عمق $۳/۷۰$ متری مورد حفاری قرار گرفت که در

نتیجه، چهار لایه شناسایی شد (طرح ۹). در عمق ۲۰۵ سانتیمتری و در گوشه جنوبی گمانه به یک لایه با آثار معماری شامل یک سنگفرش و یک رج آجر با امتداد جنوب غربی - شمال شرقی برخورد شد. در این ترانسه نیز هیچ سفالی به دست نیامد و لایه‌ها مرکب از خاک متراکم و نسبتاً سفت مخلوط با اندکی نخاله‌های ساختمانی بودند.

گمانه ۳: کاوش در این گمانه تا عمق ۴/۶ متری، یعنی خاک بکر ادامه یافت و در نتیجه ۵ لایه تشخیص داده شد (طرح ۱۰) و در آن هیچ اثر معماری به دست نیامد و همانند گمانه‌های ۱ و ۲ فاقد سفال بود.

گمانه ۴: با ابعاد $۹/۷۵ \times ۱/۷۵$ متر تا عمق ۲/۳ متری مورد کاوش قرار گرفت و در آن، هفت لایه تشخیص داده شد (طرح ۱۱). در عمق ۱/۷۰ متری این گمانه (در لایه VI) به آثار معماری شامل یک جرز قطور ۱۱۰ سانتیمتری با جهت جنوب غربی - شمال شرقی و یک دیوار یک رچی عمود بر آن و یک کف فرش آجری برخورد شد. در لایه IV (در عمق ۱۴۰ سانتیمتری) به یک کف فرش آجری در نیمه جنوبی گمانه برخورد شد.

آثار معماری به دست آمده از گمانه‌های ۱، ۲ و ۴ مؤید وجود یک بخش از بافت شهری با محوریت جهت قبله در ناحیه مذکور می‌باشند. تاریخ‌گذاری این آثار معماری، با توجه به اینکه در هیچ یک از گمانه‌ها سفال به دست نیامد، دشوار است. هرچند ابعاد آجرها برای تشخیص و انتساب یک اثر معماری به یک دوره خاص، تعیین کننده نیست، اما با توجه به اینکه آجرهای به کار رفته در بقایای معماری گمانه‌های فوق‌الذکر (با ابعاد $۲۶ \times ۲۶ \times ۶$ سانتیمتر) بیشتر در دوره صفوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند به احتمال می‌توان آثار معماری مذکور را به دوره صفوی منسوب کرد.

دسته‌بندی سفالهای مکشوفه:

۱- سفالهای به دست آمده از لایه‌های مضطرب؛

۲- سفالهای به دست آمده از جای خود؛

۱- گروه اول با ۴۳۳۱ قطعه بیشترین تعداد سفالهای به دست آمده از کلیه ترانسه‌های حفاری حاضر را شامل می‌شوند. هر چند به دلیل انتقال این قطعات از نقطه‌ای دیگر به محدوده میدان و قرار داشتن در لایه‌های مضطرب، به لحاظ گاهنگاری فاقد ارزش‌اند، اما با توجه به اینکه مابین دوره‌های مختلف اسلامی در اصفهان هستند و تاکنون هیچ نمونه مشابهی از آنها در سطح شهر اصفهان به دست نیامده، حائز اهمیت ویژه‌اند. به ویژه آنکه در

حال حاضر به جز تعدادی بنای شاخص از دوره‌های مذکور، هیچ اثر دیگری در بافت قدیم اصفهان وجود ندارد. به همین دلیل، مطالعه این سفالها می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را از وضعیت و گونه‌های مختلف سفال این دوره‌ها در اختیار بگذارد که البته خود، پژوهشی جداگانه را در این زمینه طلب می‌نماید.

۲- سفالهای به‌دست‌آمده از لایه‌های غیرمضطرب رامی‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:
 ۲-۱- سفالهای دارای استفاده روزمره که همگی (۴۴ عدد) به ترانشه A تعلق دارند؛ این سفالها از محلی به دست آمده که در آن هیچ آثاری از معماری وجود ندارد و در واقع با توجه به شواهد به دست آمده، برای آنجا کاربردی به جز یک فضای باز - به عنوان میدان شهر - قابل تصور نیست.

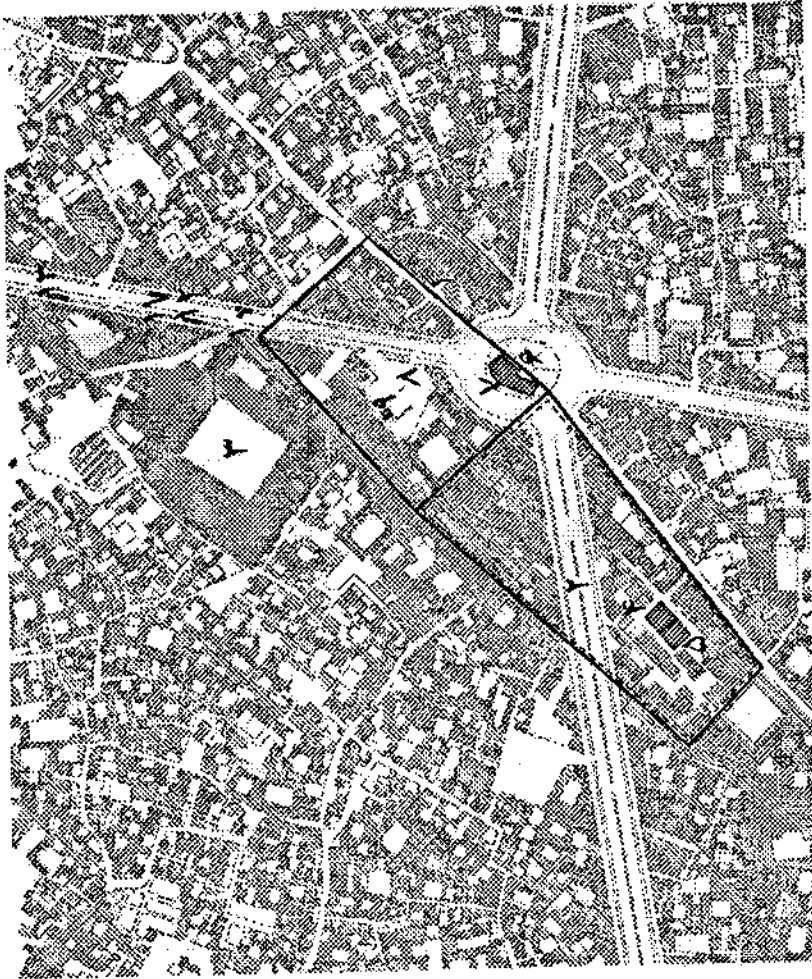
۲-۲- سفالهای دارای استفاده کارگاهی و صنعتی که همگی از ترانشه B به دست آمده‌اند - مشتمل بر خمره‌های بزرگ مخصوص نگهداری مایعات، تگار، ظروف متوسط مخصوص نگهداری مایعات، قالبهای قند و ظروف - معرف فعالیت‌های اقتصادی ساکنان محله‌های مورد کاوش می‌باشند.

نتیجه:

چنانچه پیشتر گفته شد، یکی از معضلات موجود در گاهنگاری شهر اصفهان کمبود مستندات باستانشناختی است. بر همین اساس برنامه کاوش میدان عتیق اولین حفاری علمی سیستماتیک بوده که به منظور روشن کردن وضعیت لایه‌های باستانی این شهر به انجام رسیده است. بر این اساس، با اتکاء به اطلاعات به دست آمده از کاوشهای محدوده میدان عتیق، نتایج در خور توجه ذیل حاصل آمده است:

۱- قدیمیترین لایه موجود در میدان عتیق به قرون اولیه هجری تعلق دارد و آثاری از دوره قبل از اسلام در آن موجود نیست. به همین دلیل برای یافتن الگو و محل‌های استقرار ساکنان شهر اصفهان در دوره پیش از اسلام یا به عبارت دیگر قبل از شکل‌گیری شهر، بایستی در محل‌های دیگری جستجو و کاوش نمود. لازم به یادآوری است که این حفاری به نواحی جنوبی، شرقی و شمالی مسجد جامع محدود بوده، حال آنکه در کاوشهای مسجد جامع آثاری از دوره ساسانی به دست آمده است. لذا شایسته است منطقه مرتفعی که مسجد بر آن ایجاد شده و محدوده غربی آن به منظور کاوشهای آتی در نظر گرفته شود؛

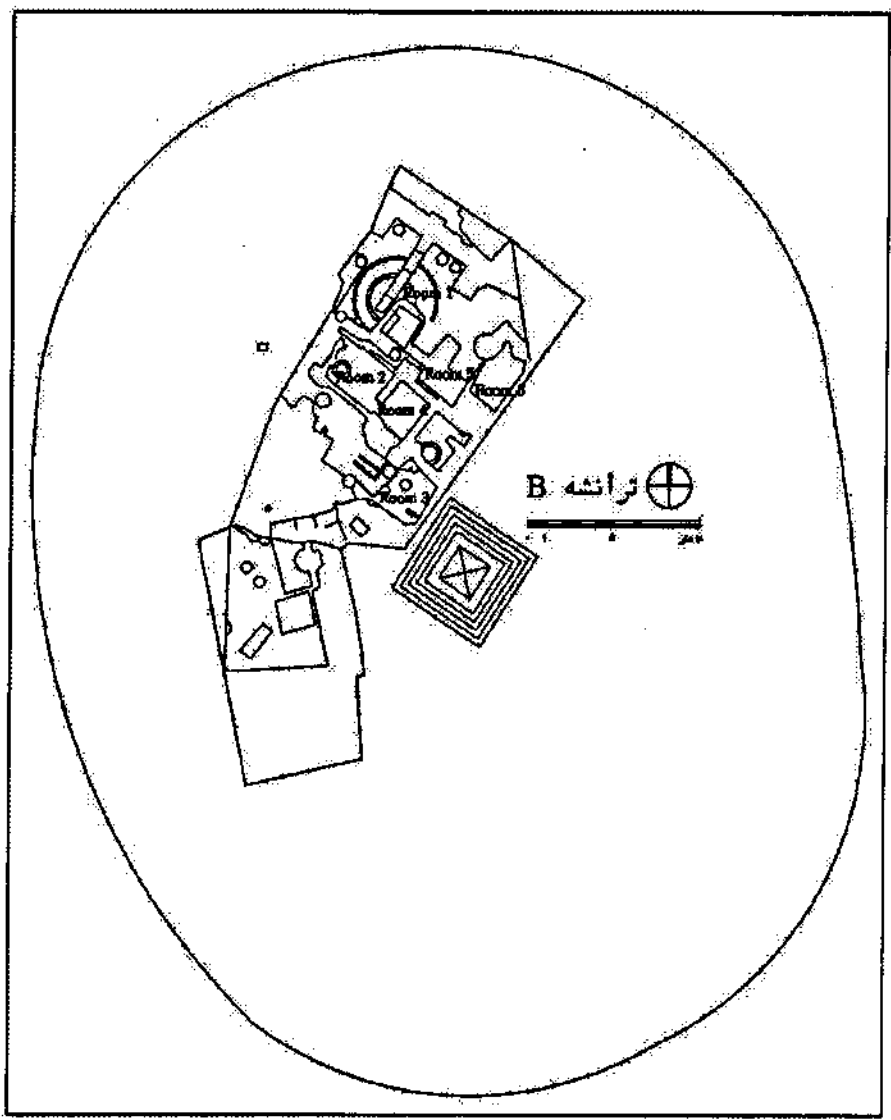
- ۲- محلّ میدان عتیق، تا قبل از کاربری اش به عنوان میدان، یک فضای باز بوده و به همین دلیل هیچ اثر معماری در آن وجود ندارد؛
- ۳- با توجه به اینکه کف‌های بدست آمده در این کاوش، اختلاف سطحی معادل ۴/۵ تا ۵/۵ متر با کف مسجد جامع نشان می‌دهند، مشخص می‌گردد که مسجد جامع در زمان احداث بر روی یک برجستگی یا به عبارت دیگر یک تپّه باستانی برپا شده بوده که بر محوطه پیرامون خود اشراف داشته است. به بیان دیگر، سازندگان این مسجد، رفیع‌ترین نقطه را برای ساخت آن انتخاب کرده بوده‌اند؛
- ۴- با احداث میدان نقش جهان در دوره صفوی، میدان اصلی شهر (میدان عتیق) به تدریج نقش خود را از دست داده و به دلیل پایین‌تر بودن از سطح معابر عمومی - که نوعی ناهمواری را ایجاد می‌کرده و استفاده از آن را با مشکل مواجه می‌ساخته - از دوره صفوی به بعد به منظور کارآمد ساختن آن به تدریج با استفاده از نخاله‌های ساختمانی - که از مناطق دیگر بدانجا منتقل نموده‌اند - پر شده است تا بدینوسیله با فضاهای همجوار، همسطح و همتراز گردد.



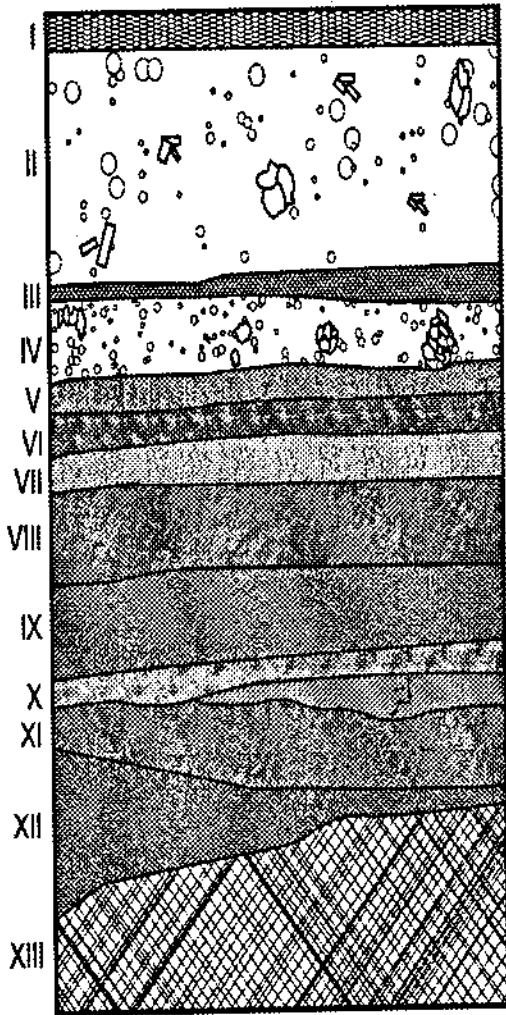
راهنمای نقشه:

- | | |
|---------------------------------|----------------------|
| ۱- میدان عتیق دوره اول | ۸- پارکینگ مسجد جامع |
| ۲- میدان عتیق دوره دوم | ۹- ترانشه C |
| ۳- مسجد جامع اصفهان | ۱۰- گمانه ۱ |
| ۴- میدان زغال | ۱۱- گمانه ۲ |
| ۵- ترانشه A | ۱۲- گمانه ۳ |
| ۶- میدان قیام فعلی (میدان کهنه) | ۱۳- گمانه ۴ |
| ۷- ترانشه B | |

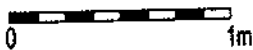
نقشه ۱: بخش مرکزی یافت تاریخی اصفهان



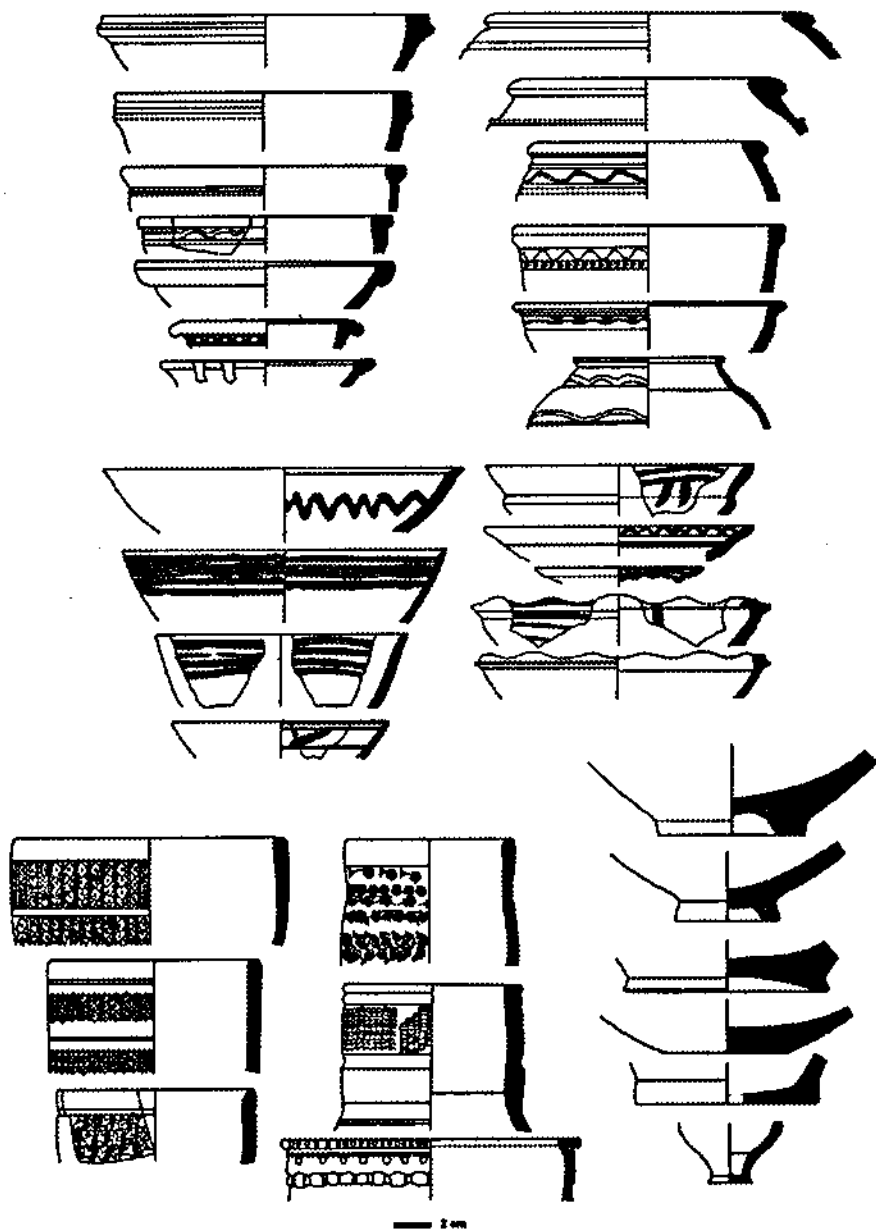
نقشه ۲: ترانسه B (B1 و B2) در ضلع شمالی میدان قیام



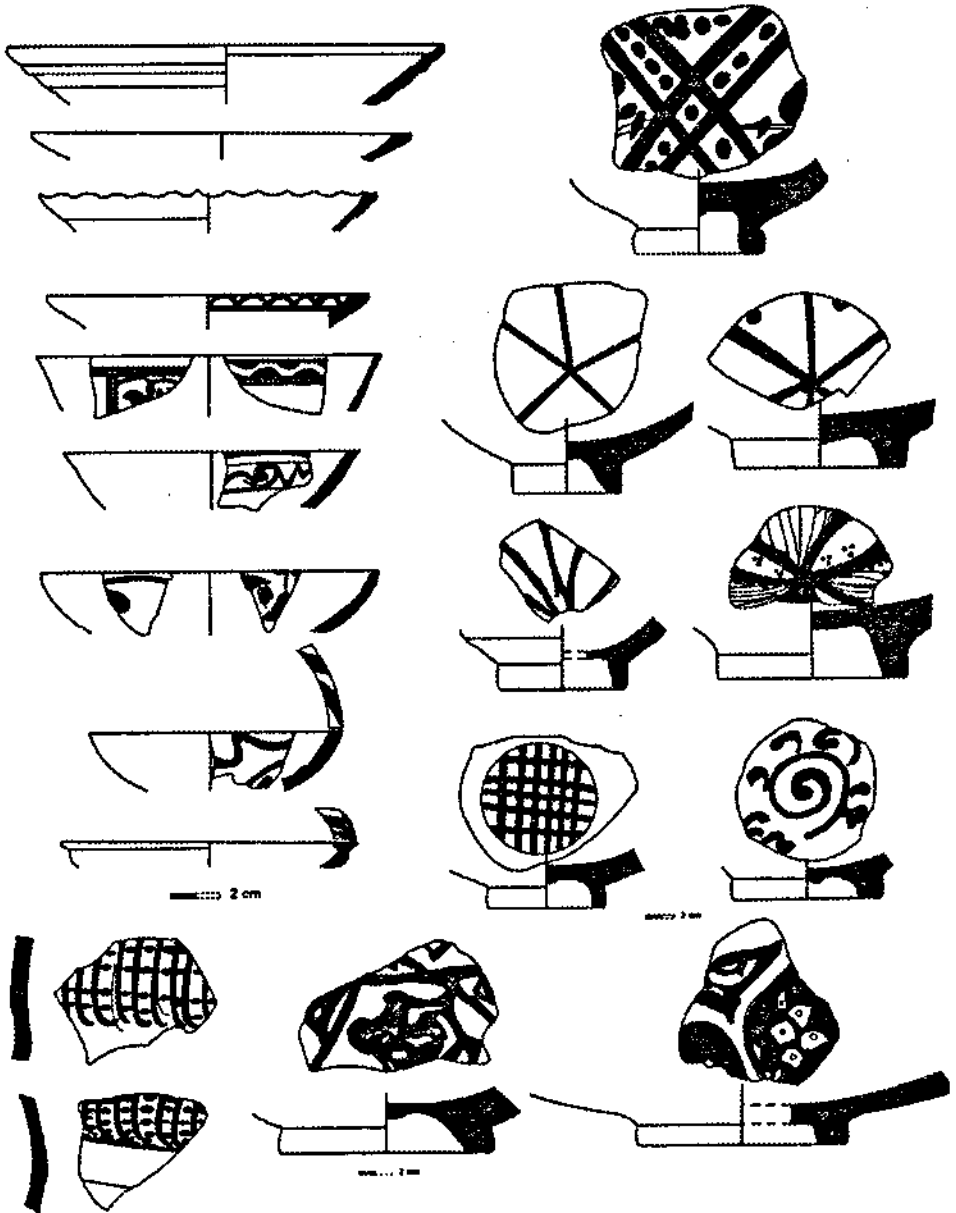
- I آسفالت
- II خاک کوبیده شده با آوار ساختمانی
- III خاک مخلوط با زغال
- IV خاک مخلوط با سفال و نخاله ساختمانی
- V خاک مخلوط با سفال و نخاله ساختمانی
- VI خاک مخلوط با نخاله ساختمانی و سفال
- VII خاک مایل به سرخ با ماسه
- VIII خاک - شن - نخاله - آهک
- IX خاک - نخاله ساختمانی - استخوان - سفال
- X خاک قهوه‌ای
- XI خاک قهوه‌ای تیره با ترکیب ماسه - دارای سفال
- XII لجن با ماسه سیاه رنگ
- XIII خاک بکر



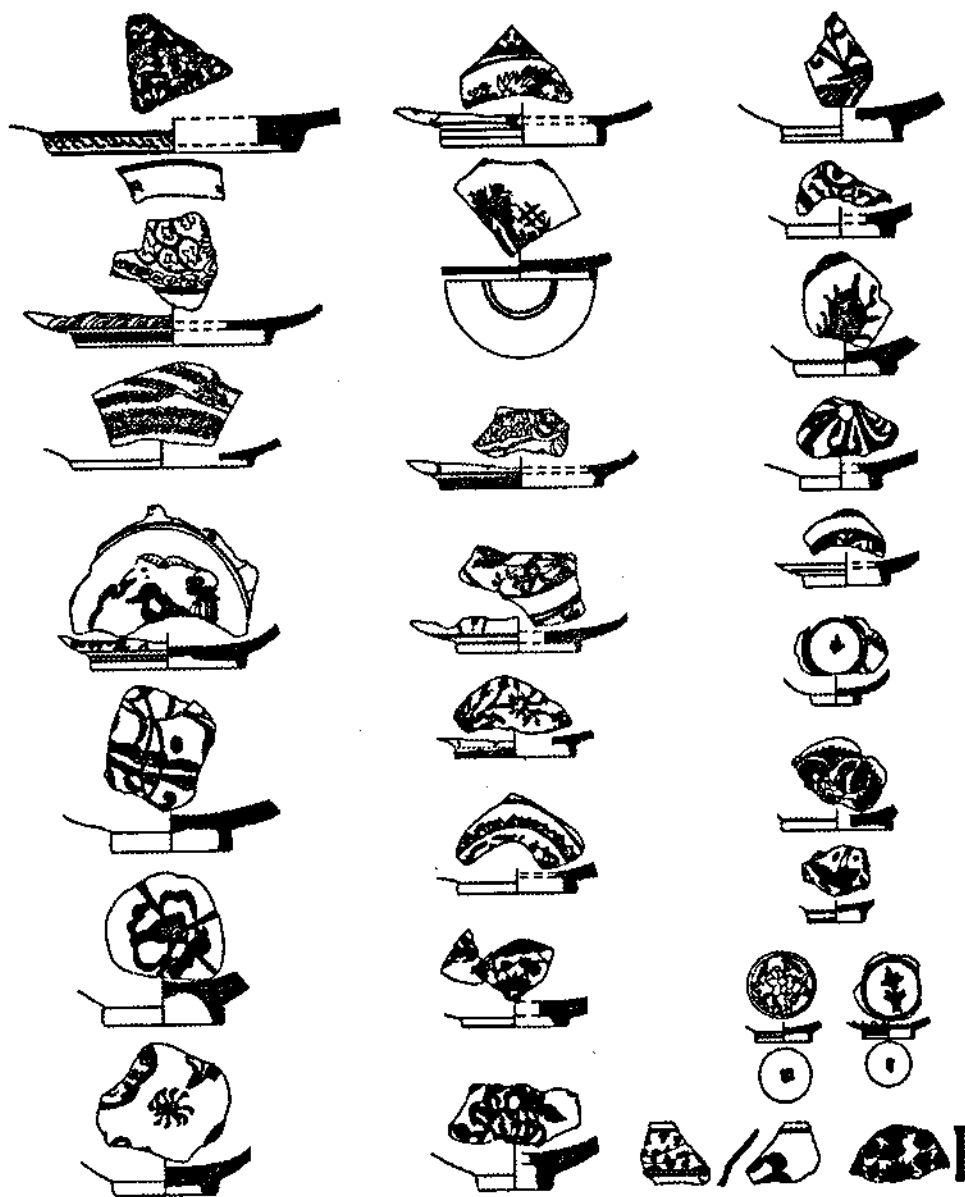
طرح ۱: لایه نگاری تراثشه A1



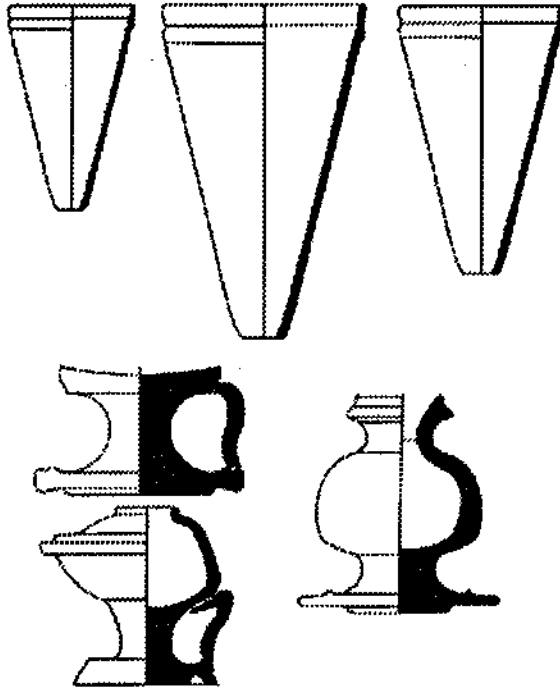
طرح ۲: سفالهای دوره سلجوقی مکشوفه از لایه X تراشه A1



طرح ۳: سفالهای منتخب دوره ایلخانی

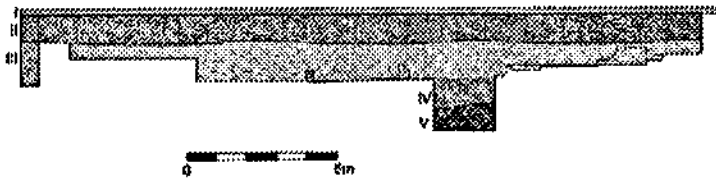


طرح ۱: سفالهای منتخب دوره‌های صفوی و قاجار



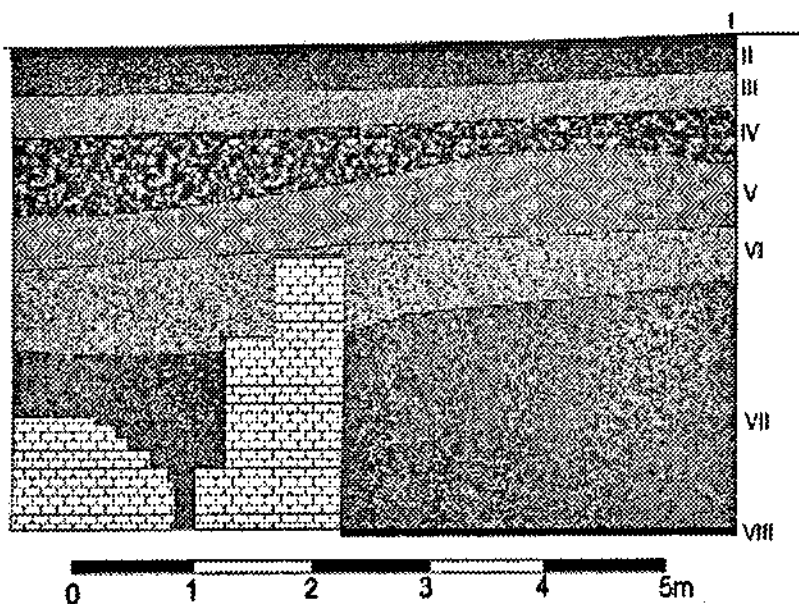
۲ cm

طرح ۵: قالبهای سفالی و پیسوز

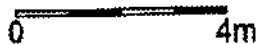
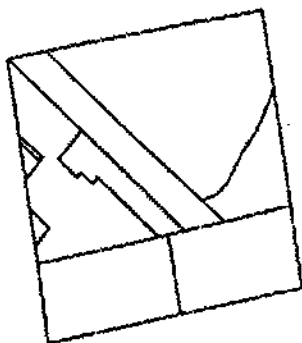


- I چمن کاری کتب میدان
- II لایه مرکب از آوار ساختمانی و سفال
- III لایه مربوط به عصارحات
- IV خاک یک دست قهوه‌ای تیره فاقد آتار
- V خاک بکر

طرح ۶: لایه نگاری ترانشه B

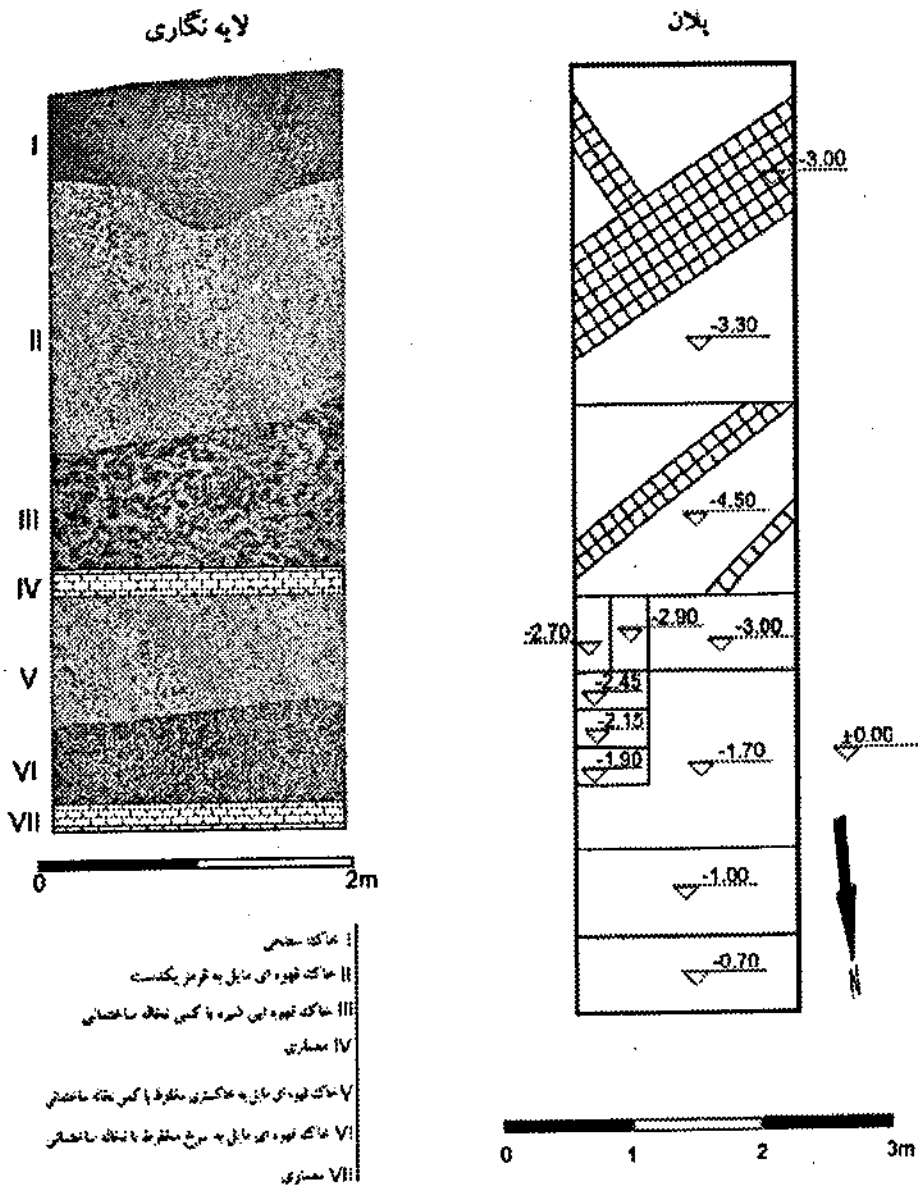


پلان حفاری



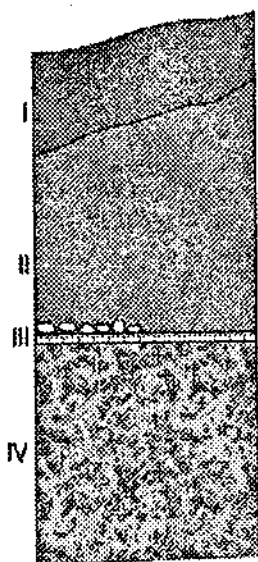
- I آسفالت
- II خاک سرخ زیر آسفالت
- III خاک مخلوط با شن - کوبیده شده
- IV خاک مخلوط با آوار ساختمانی
- V آوار ساختمانی شامل آجر و نوده آجر
- VI خاک مخلوط با آوار ساختمانی و سفال
- VII خاک مخلوط با آوار ساختمانی و سفال
- VIII آجر فرش

طرح ۷: پلان و لایه‌نگاری ترانشه C



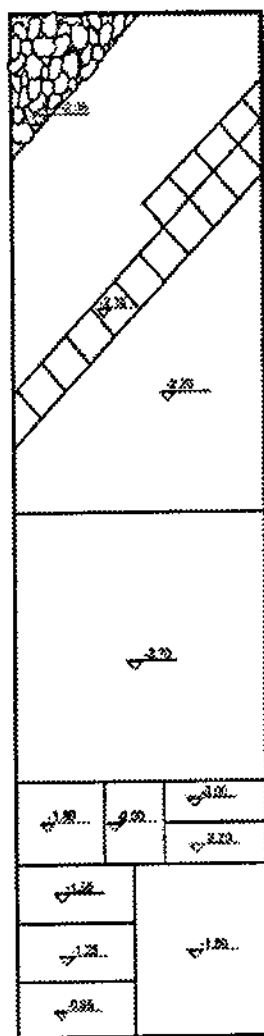
طرح ۸: پلان و لایه‌نگاری گمانه ۱

لایه نگاری



0 2m

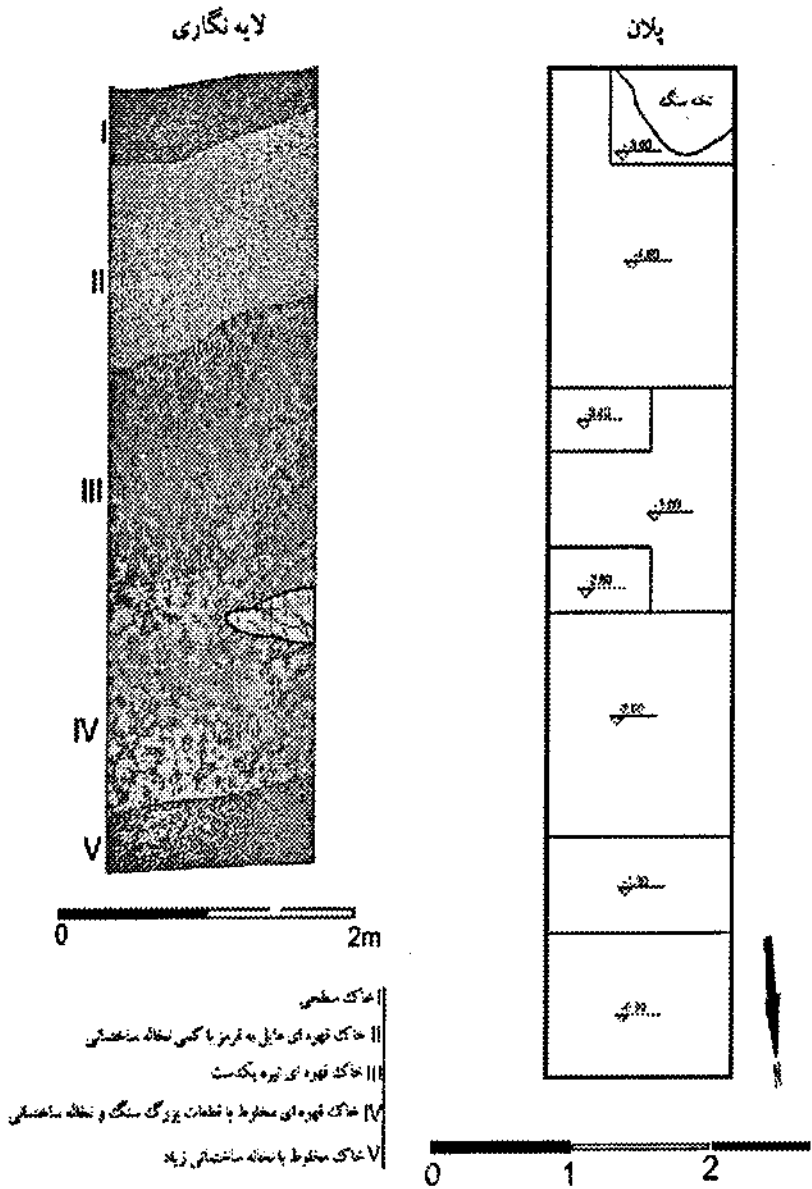
پلان



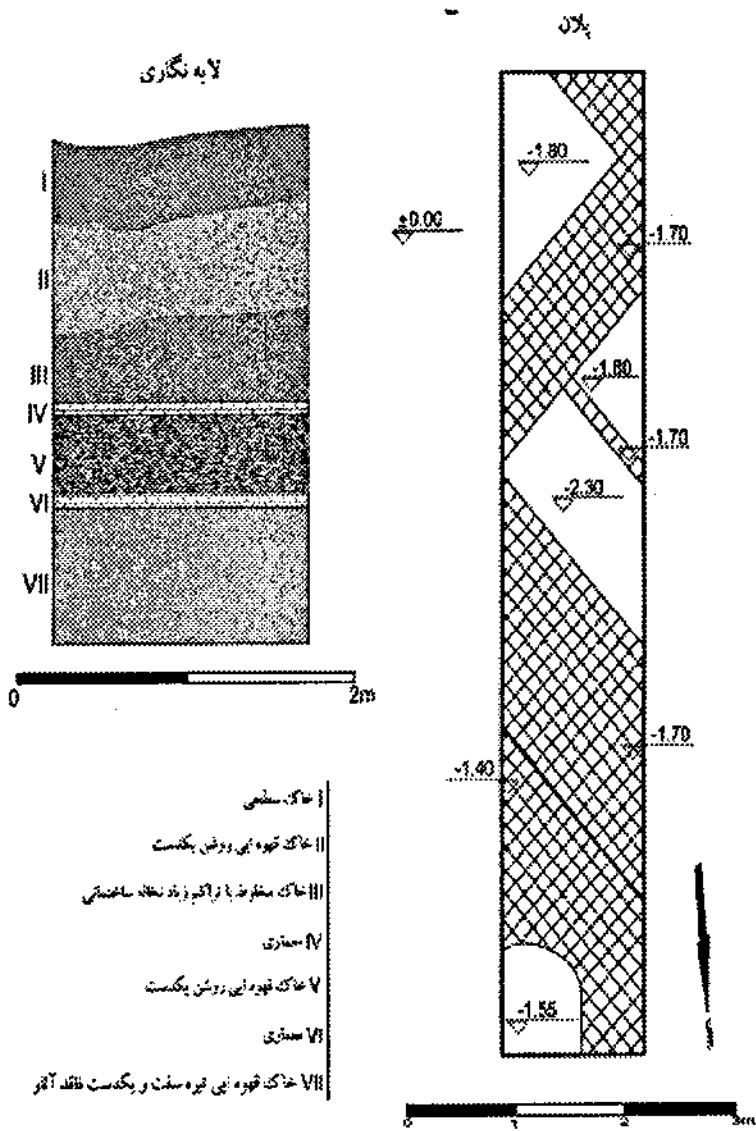
0 2m

- I خاک سطحی
- II خاک مخلوط با نخاله ساختمانی زیاد
- III معماری
- IV خاک قهوه ای تیره بکنست

طرح ۹: پلان و لایه نگاری گمانه ۲



طرح ۱۰: پلان و لایه‌نگاری گمانه ۳



طرح ۱۱: پلان و لایه نگاری گمانه ۴

پی نوشت:

- ۱- این تپه در سال ۱۳۶۵ توسط آقای عقیل عابدی، باستانشناس سازمان میراث فرهنگی کشور، مورد حفاری قرار گرفت ولی متأسفانه تاکنون گزارشی توسط ایشان ارائه نشده است.
- ۲- این برنامه کاوش علمی در طی خرداد و تیر ۱۳۸۴ به سرپرستی محسن جاوری به انجام رسید. اعضای همراه این هیات عبارت بودند از: آقایان علمدار علیان (کارشناس میراث فرهنگی اصفهان و طراح هیات)، سعید شهباز (دانشجوی کارشناسی ارشد باستانشناسی ابهر) و خانم عادلہ دینلی (دانشجوی باستانشناسی دانشگاه تهران) که در همین جا از تلاشهای مجدانه آنان صمیمانه قدردانی می‌نماییم.
- ۳- این قریه‌ها عبارت بودند از: باطرقان، یوان، خورجان، فلفلان، سنبلان، فراءآن، گماءآن، جوزدان، لبنان، اشکهان، جروءآن، خشینان، برواسکان و فابجان.
- ۴- این محلات عبارتند از: سنبلستان (سنیلان)، جوزدان، لبنان و خابجان (فابجان).
- ۵- تاریخ شهرسازی اصفهان در دوران اسلامی دارای دو مقطع اصلی است؛ مقطع نخست شهرسازی متعلق به دوره سلجوقی است که توسعه مسجد جامع، احداث میدان عتیق و گسترش شهر را به دنبال داشت. مقطع دوم مربوط به دوره صفوی است که با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، احداث میدان نقش جهان، مسجد شاه (امام)، مسجد شیخ لطف‌الله، مجموعه ارگ صفوی، چهارباغ و ... را در پی داشت.

منابع:

- ۱- ابن رسته، احمد بن عمر، الأعلاق النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، چاپ اول، بی‌نا، تهران ۱۳۷۰ ه. ش.
- ۲- ابونعیم، احمد بن عبدالله بن اسحاق، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسایی، چاپ اول، سروش ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۳- بهار، ملک الشعراء، مجمل التواریخ و القصص، به کوشش محمد رضائی، خاور، تهران، ۱۳۱۸ ه. ش.
- ۴- جاوری، محسن، «پل خواجو از نگاهی دیگر»، گلستان هنر، شماره ۱، ۱۳۸۴ ه. ش.
- ۵- جاوری، محسن، «معرفی محوطه باستانی گورتان»، نامه پژوهشگاه، شماره ۶، ۱۳۸۳ ه. ش.
- ۶- جاوری، محسن، کاوش باستانشناسی محل اتصال چهارباغ به سی و سه پل، آرشیو میراث فرهنگی استان اصفهان، ۱۳۸۰ ه. ش.
- ۷- جعفری زند، علیرضا، اصفهان پیش از اسلام، نشر آن، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش.
- ۸- گلعبک، الیزا، «الگوی شهری اصفهان پیش از صفویه»، ترجمه محمد نفیسی، معماری و شهرسازی، دوره هفتم، شماره ۴۲ و ۴۳، خرداد ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۹- مافروخی، فضل‌بن‌سعد، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۸۲ ه. ش.
- ۱۰- میرفتاح، علی‌اصغر، «آثار باستانی جی با پیگردی مسجد جی» بررسی‌های تاریخی، شماره ۶، سال یازدهم، ۱۳۵۵ ه. ش.
- 11- Gabriel, A. (1935) Le Masjid-i Djum'a d'Isfahān, *Ars Islamica*, II, pp. 7-44
- 12- Galdieri, E. (1972 - 1978) IsMEO Activities: Restoration Mission in Iran. Isfahan, Masjid-i Gum'a, *East and West*, 22, pp. 385-389; 23, pp. 423-425; 24, pp. 479-481; 25, pp. 549-550; 26, pp. 604-605; 27, pp. 465; 28, pp. 334-336
- 13- Galdieri, E. (1972) *Isfahan: Masjid-i Gum'a - 1 Documentazione fotografica e rapporto preliminare*, IsMEO - Roma
- 14- Galdieri, E. (1973) *Isfahan: Masjid-i Gum'a - 2 Il periodo al-i Būyde*, IsMEO - Roma
- 15- Galdieri, E. (1984) *Isfahan: Masjid-i Gum'a - 3 Research and Restoration Activities, 1973-1978* with an introduction by Prof. Oleg Grabar, IsMEO - Roma
- 16- Scerrato, U. (2001) Ricerche archeologiche nella Moschea del Venerdì di Isfahan della Missione Archeologica Italiana in Iran dell'IsMEO (1972-1978), *Antica Persia - I tesori del Museo Nazionale di Tehran e la ricerca italiana in Iran (Museo Nazionale d'Arte Orientale - Roma, 29 maggio - 22 luglio 2001)*, pp. XXXVII-XLIII, Roma